



### آنتولوژی شعر معاصر افغانستان منتشر شد

کتاب «آنتولوژی شعر معاصر افغانستان» به زبان عربی توسط انتشارات المدی بیروت و با برگردان مریم العطار، شاعر و مترجم عراقی منتشر شد. این کتاب، ۳۰۰ صفحه است و اشعار ۳۵ شاعر افغانستانی را شامل می‌شود. شاعرانی که در این کتاب به شعر و کارهای هنری آنها پرداخته شده است، شامل پروتو نادری، لیلا صراحت‌روشنی، ایوب‌طالب مظفری، محمد شریف سعیدی، قنبرعلی تابش، ضیا قاسمی، محبوبه ابراهیمی، باران سجادی و شکرپه عرفان می‌شوند.

# خردشت به خاموشی

سی و هشتمین جشنواره جهانی فیلم فجر که به تازگی به کار خود پایان داد، چقدر شایسته

عنوان «جهانی» است؟ با بررسی چند نکته و بانگاهی به چند فیلم، سراغ این موضوع رفته‌ایم



علی رستگار

سینما

هیاهوی چارسو در این چندروز اخیر، یعنی دقیقا از پنجم تا دوازدهم خرداد بیشتر شده بود؛ نه به دلیل آنچه درباره ارزان شدن حدودی گوشی تلفن همراه می‌گویند، بلکه منظور از طبقه پنجم به بالا در محدوده پردیس سینمایی بود. فارغ از خوش خوشان قرارگرفتن نام جشنواره جهانی فیلم فجر در میان ۱۵ جشنواره برتر دنیا و تبریک‌هایی که عمدتا خودمدیران این رویداد و فیلمسازان نزدیک به این جشنواره نثار هم می‌کردند - و البته امیدواریم که به زودی و در عمل و در واقعیت هم چنین جایگاهی داشته باشیم- مصادیق دیگر جهانی شدن جشنواره جهانی فیلم فجر چیست؟ از پرواز مدام کوادکوپتر دوربین دار در طبقات پردیس سینمایی در آن چندروز برایتان بگویم یا از حضور خوش رنگ و لعاب و پرشمار عکاسان و خبرنگاران نوظهور که شکل و شمایل شان بیشتر با فضای مجازی ستخیت داشت تا رسانه‌های رسمی و سینمایی؟ این حجم از حضور غیر از این‌که مصادق عینی بی‌تفاوتی به شیوع کرونا و رعایت پروتکل‌های بهداشتی بود، از آنجا به یک هیاهوی رسانه‌ای و بزرگنمایی پهلوی می‌زد که گاهی تعداد این عزیزان، حتی بیشتر از حضور گاه و بیگاه اندک ستاره‌های سینمایی در چارسو بود. ولی یکی از جالب‌ترین و بازمزترین مصادیق اصرار به جهانی بودن این دوره جشنواره جهانی فجر این بود با این‌که تقریبا هیچ مهمان خارجی بنا به شرایط کرونا در چارسو حضور نداشت - دست‌کم من در آن چندروز حتی یک مهمان خارجی هم ندیدم و صرفا خبرهای حضور یکی دو سفیر در این رویداد اطلاع‌رسانی شد. دوستان جوان مترجم پیش از شروع فیلم‌ها، روی صحنه حاضر می‌شدند و صحبت‌های فیلمسازان و منتقدان ایرانی و معرّی فیلم‌ها را به انگلیسی ترجمه می‌کردند. این میزان از وظیفه شناسی و پشتکار ضمن این‌که تا حدودی یادآور لطیفه‌ای است که در آن فارغ از غیبت کارگر لوله‌گذار، دو کارگر دیگر کار خود را می‌کردند و یکی زمین را می‌کند و دیگری پر می‌کرد، تاکید بر سازوکار جهانی جشنواره جهانی فیلم فجر بود و هست؛ با وجود این حرف‌ها، بد نیست به یکی از حسن‌های این دوره جشنواره جهانی فیلم فجر هم اشاره کنیم، پوسته‌های خلافتانه جشنواره کار حمیدرضا بیدقی که با بهره‌گیری از نشانه‌های گرافیکی و بازی با بعد سی و هشت و دوربین و ساعت‌شنی، دواتر زیبا خلق کرده‌بود. اگر خاطراتان باشد معمولا در سال‌های قبل، طراحی پوسته‌های این جشنواره هم با حرف و حدیث‌های زیادی همراه می‌شد.

### همین بود واقعا؟

یکی از کنجکاوی برانگیزترین فیلم‌های حاضر در سی و هشتمین جشنواره جهانی فیلم فجر، «دشت خاموش» به کارگردانی احمد بهرامی بود؛ مهم‌ترین دلیل کنجکاوی برای تماشای این فیلم سیاه و سفید، موفقیت آن در جشنواره فیلم ونیز و کسب جوایز بهترین فیلم بخش افق‌ها و جایزه ویژه منتقدان بود. به طرز جالبی صحبت‌های کارگردان در لحظات پیش از نمایش فیلم در جشنواره جهانی فیلم فجر در چارسو، راهگشا شد و آن عطش کنجکاوی را برطرف کرد و چه بسا توقعات ایجاد شده از فیلم را درست اندکی قبل از تماشای آن بین برد. بهرامی گفت: «وقتی فیلمی در یک جشنواره خارجی دیده می‌شود و جایزه می‌گیرد، قاعدتا مخاطب ایرانی دوست دارد ببیند فیلم چگونه است (و به چه دلیل این موفقیت را به دست آورده است). قطعاً یک سری از شما وقتی این سالن را ترک کنید، خواهید گفت: همین بود واقعا؟! خیلی چیز عجیبی نیست. می‌دانم سلیقه فیلم دیدن ما ایرانی‌ها، خیلی بالاست. در این بیش از ۲۰ جشنواره‌ای که فیلم دشت خاموش حضور داشت، مخاطبان خارجی خیلی از دیدن فیلم هیجان زده شدند اما ما مخاطبان ایرانی این‌قدر فیلم خوب می‌بینیم که سلیقه مان خیلی بیشتر از این حرف‌هاست که با فیلم‌هایی مثل دشت



خاموش، خیلی هیجان زده شویم.» این اعتراف صادقانه و کاملا به موقع بهرامی، ضمن این‌که بار کنجکاوی و اشتیاق را تا حد زیادی از دوش ما مخاطبان برداشت، حاوی نکات دیگری هم بود. اول این‌که نشان می‌دهد بهرامی با علم به این موضوع، مخاطب هدف خود را تماشاگران خارجی و جشنواره‌های جهانی در نظر گرفته است و از ابتدا می‌دانسته فیلمش در آن سوی آب‌ها بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد و خارجی‌ها را بیشتر هیجان زده می‌کند. دیگر این‌که فضای سیاه و سفید (شما بخوانید تیره و تاریق...) و نمادپردازی آن که قومیت‌های ترک و کرد و... را در جامعه‌ای محدود گردهم می‌آورد و قصدش الهای جامعه و جهانی گسترده‌تر است، به قدری خوشایند خارجی‌ها به ویژه جشنواره فیلم ونیز قرار می‌گیرد که برنده جوایزی می‌شود که ذکر

آن رفت، نمی‌خواهیم از عباراتی کلیشه‌ای چون سیاه‌نمایی استفاده کنیم. که اتفاقا روایت فیلم، چه بسا چرک و کثیف نیست و صرفا بازتابی هنرمندانه از مشکلات جامعه کارگری ایران است. اما «دشت خاموش» به دلیل فرم روایت تکرارشونده و اشاره به برخی قومیت‌های ایرانی، خواسته یا ناخواسته پاس گل‌هایی برای بهره‌برداری سیاسی می‌دهد. از این رو در نگاهی بدبینانه و به زبان آوردن «همین بود واقعا؟» از سوی ما، حتی خوشایند خارجی‌ها و موفقیت فیلم در آن سوی آب‌ها، بیشتر جنبه سیاسی پیدا می‌کند یا دست‌کم ازرنش‌های فنی و هنری آن در اولویت بعدی قرار می‌گیرد.

دشت خاموش، در بهترین حالت روایتی استاندارد دارد و فاقد نکته و پیشنهاد تازه‌ای برای سینماست. حتی فرم روایتی و آن تکرار و تغییر روایای آن هم چیز جدیدی نیست و پیشتر در سینمای جهان و همین سینمای ایران، نمونه‌های موفق تر و مهم‌تر آن تجربه شده بود. با وجود این طرح موضوع مسائل و مصایب کارگری در ایران (با روایت قصه‌ای درباره تعطیلی یک کوره‌پرخانه)، بازی‌های علی باقری در نقش لطف...، مهدیه نساج در نقش سرور و فرخ نعمتی در نقش آقاخان و و فیلم‌برداری مسعود امینی تیرانی از امتیازات این فیلم است.



انگلیسی فیلم، لهجه بریتانیایی «یک جای معمولی»، فهم دقیق و درست برخی جملات را سخت می‌کرد، آن هم برای مخاطبانی که معمولا به فیلم دیدن با لهجه آمریکایی عادت دارند. به جز دو سه تماشگاری که خیلی زود و با پای بردن به بخش بدون زیرنویس فیلم، سالن را ترک کردند، اندک تماشاگران دیگر که تعدادشان به ۱۰ نفر هم نمی‌رسید، با رودربایستی و پذیرفتن چالش زبان انگلیسی و آزمون‌ود دانسته‌هایشان و چه بسا شرمنده کردن محمد مهدی عسگریور، دبیر و سایر مدیران جشنواره، تا انتهای فیلم در سالن باقی ماندند! با این حال این مقاومت و صبوری و مدیریت بحران، چندان بی‌اثر هم نبود و «یک جای معمولی» به کارگردانی اوبرتو پازولینی، فیلم خوب و تاثیرگذاری بود. این فیلم که در جشنواره فیلم ونیز هم حضور داشت و با تحسین برخی تماشاگران و منتقدان همراه شد، قصه پدر جوانی به نام جان (جیم نورتون) را روایت می‌کند که به دلیل بیماری لاعلاجی، چیز زیادی از زندگی‌اش نمانده، برای همین همه تلاش خود را انجام می‌دهد تا خانواده مناسبی، سرپرستی پسر

### نو سفر است

کاری به این نداریم چرا کارگردانی که تهیه‌کننده فیلمش، «سعیدی» است (سعید سعیدی)، در مراسم مختصر رونمایی فیلمش، شعری از حافظ می‌خواند (همنم بدرقه راه کن ای طایر قدس/ که دراز است ره مقصد و من نوسفرم) و خود را «نوسفر سینما» می‌داند، بحث این است که نوید به تویی (نویسنده و کارگردان) فیلم «گیسوم» می‌توانست حتی در همین سفر اول هم، گام محکم‌تری بردارد، چون هم ابزار و امکاناتش همچون بازیگران خوب و نام آشنا را داشت و هم نشان داد تکنیک و ضرباهنگ را خوب می‌شناسد، اما حرف او درباره «هویت» و «بازگشت به ریشه‌ها»، به سیراهه رفت و به شکل مناسبی مطرح نشد. شروع خوب و سفری معماگونه که می‌توانست، با پیچ‌ها و پیچیدگی‌هایی در روابط شخصیت‌ها، «گیسوم» را به اثری مهیج و جذاب تبدیل کند، باز یاده‌گویی و تمرکز روی حسادت‌های بیهوده ایوا (پگاه آهنگرانی)، فیلم را از تک و تا می‌اندازد و همه سکانس‌های مواجهه با عطا/ پدر (شاهرخ فروتنیان) هم تیر خلاص را به گیسوم می‌زند، طوری‌که دیگر فیلم‌نشانی از آن شروع خوب و پرشور و خوش ریتم هم ندارد. تصمیم نهایی ایوا هم که به هیچ وجه سختی یا بازه زمانی قصه ندارد و پازل ضعف‌های نیمه دوم و پایانی فیلم را تکمیل می‌کند. گیسوم همچنین به‌طور ناخودآگاه و کاملا ناخواسته و اتفاقی، دیالوگی دارد که صرفا در این مقطع زمانی و به دلیل قطعی‌های مکرر برق، می‌تواند ضدمردم‌ترین می‌تواند اعتبار و توجهی برای جشنواره جهانی فیلم فجر کسب کند که با کنجکاوی مخاطبان و رسیدن فیلم به سئنانس‌های فوق‌العاده، این اتفاق هم افتاد، اما حضور فیلم‌هایی چون

### «طج‌رشت» ساخته می‌شود

تولید مستند «طج‌رشت» با حضور بیش از ۲۰ بانوی طلبه و مبلغ از استان‌های مختلف کشور و به تهیه‌کنندگی سمیه سادات باقری و به کارگردانی مجید مرادی و مریم میرزایی شروع شد. مریم میرزایی یکی از کارگردان‌های طج‌رشت در مورد ساخت این مستند گفت: با فراخوان جشنواره بزرگ صالح با موضوع امامزاده صالح (ع) تجریش، تصمیم گرفتیم در این جشنواره حضور داشته باشیم.



## ایستگاه چارسو



نمایی از فیلم دشت خاموش / عکس: پارسا بشیری



گیسوم که تجربه موفق و کاملی نیستند حتی با یدک‌کشیدن «نخستین نمایش جهانی»، چه توجیه و دستاوردی برای این رویداد دارد؟ آیا غره شدن به «فیافف» (فدراسیون بین‌المللی انجمن تهیه‌کنندگان فیلم) و حضور در میان ۱۵ جشنواره برتر سینمایی دنیا، ناظر به شرکت چنین فیلم‌های داخلی است یا دلخوش به حضور و برنده شدن فیلمی به نام «نور طبیعی» هستند که دست‌کم کشف جشنواره جهانی فیلم فجر هم نیست و صرفا با اعطای سیمرغ زرین بهترین فیلم جشنواره (سینمای سعادت) در داوری، موفقیت این فیلم در جشنواره برلین (جایزه خرس نقره‌ای بهترین کارگردانی) را تایید می‌کنند.

## فهرست کامل برگزیدگان سی‌وهشتمین جشنواره جهانی فیلم فجر



شبکه توسعه سینمای آسیا - اقیانوسیه): «میجر» به کارگردانی احسان عیدی‌پور، محصول ایران.
جایزه فیپرشی (فدراسیون بین‌المللی منتقدان فیلم): «۲۰۰ متر» به کارگردانی امین نایف، محصول اردن، فلسطین، قطر، سوئد و ایتالیا.
جایزه بین‌الادیان: «سگ‌ها دیشب خوابیدند» به کارگردانی رامین رسولی، محصول مشترک افغانستان و ایران
جایزه محمد امین (ص): «هراس» به کارگردانی ایواییلو هریستوف از بلغارستان.

مسابقه جلوه‌گاه شرق
سیمرغ زرین بهترین فیلم: «سپارک» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی مهدی حسینی‌وند
علی‌پور، محصول ایران.
سیمرغ سیمین بهترین کارگردانی: «صحنه‌زنی» به کارگردانی علیرضا صمدی، محصول ایران.
سیمرغ سیمین بهترین فیلم‌نامه: «۲۰۰ متر» به کارگردانی امین نایفه، محصول اردن، فلسطین، قطر، سوئد، ایتالیا.
سیمرغ سیمین برای بهترین دستاورد هنری (جایزه ویژه هیات داوران): مارک لی پی‌نگ‌بینگ، فیلمبردار «آیما» به کارگردانی چاو جینلی‌نگ، محصول چین.
تندیس بهترین فیلم کوتاه: «بیت اللحم ۲۰۰۱» به کارگردانی ابراهیم حنضل، محصول فلسطین.
دیپلم افتخار بهترین بازیگری: داوین یو برای بازی در «من خودم را به آتش نمی‌زنم»، محصول کره جنوبی.
جایزه بهترین فیلم اول: «بوتاکس» به کارگردانی کاوه مظاهری، محصول ایران و کانادا.
جایزه تنیک (جایزه بهترین فیلم مستند

مسابقه بین‌الملل (سینمای سعادت)
سیمرغ زرین بهترین فیلم: «نور طبیعی» به کارگردانی دنژ ناگ و تهیه‌کنندگی اینسه بوکا
گروبه، کارولین پیراس و ملانی بلاکس دورف محصول مجارستان، لتونی، فرانسه، آلمان.
سیمرغ سیمین بهترین کارگردانی: «بهداشت اجتماعی» به کارگردانی دنی کوتاه، محصول کانادا.
سیمرغ سیمین بهترین فیلم‌نامه: فریت کاراهان و گلستان آچت برای فیلم «حافظ برادر» به کارگردانی فریت کاراهان، محصول ترکیه و رومانی.
سیمرغ سیمین بهترین بازیگر زن: لائورا برن، بازیگر «هلن» به کارگردانی آنتی یوکی‌ن، محصول فنلاند و استونی.
سیمرغ سیمین بهترین بازیگر مرد: حمید فرخ‌نژاد برای بازی در «میجر» به کارگردانی احسان عیدی‌پور، محصول ایران.
سیمرغ سیمین بهترین فیلم کوتاه: «دیوار سفید» به کارگردانی مشترک آندرا بروشا و مارکو اسکوتوری محصول ایتالیا.
لوچ تقدیر فیلم کوتاه: «وضعیت اورژانسی» به کارگردانی مریم اسمی‌خانی، محصول ایران.